بدرود! راوی واژه های پناه

به مناسبت درگذشت مریم حسینیان، یکی از نویسندگان صاحب نام خراسانی، نگاهی کوتاه به آثار و زندگی او داشته‌ایم

رضایی - روز گذشته دهم مردادماه ۱۴۰۴ انتشار خبری سوزناک ، کام نویسندگان کشور و به‌ویژه مشهد را تلخ کرد؛ «مریم حسینیان درگذشت» ، این نویسنده مشهدی پس از سال‌ها مبارزه با بیماری سرطان، در ۵۰ سالگی چشم از جهان فروبست و جامعه ادبی ایران را در اندوهی عمیق فروبرد. مریم حسینیان زاده یکم فروردین‌ماه ۱۳۵۴ در مشهد متولد شد. حسینیان ابتدا در دانشگاه فردوسی ،مهندسی خاک‌شناسی خواند. اما میل درونی‌اش به هنر نوشتن، او را به سمت ادبیات کشاند و مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور مشهد دریافت کرد. این تغییر مسیر او را بیش‌ازپیش شیفته نوشتن کرد.

نویسنده‌ای در خدمت ادبیات خراسان

از سال ۱۳۸۰ ،حسینیان به‌عضویت هیئت‌مدیره انجمن ادبیات داستانی خراسان درآمد و در برگزاری کارگاه‌های داستان‌نویسی، نقش فعالی داشت. اما نویسندگی تنها دغدغه او نبود. در مطبوعات محلی و ملی، قلم زد و در کنار نویسندگی، در برگزاری کارگاه‌های آموزشی به‌عنوان کارشناس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز فعالیت داشت.

خلاقیت در روایت

نخستین مجموعه داستانش با نام «حتی امروز هم دیر است» را در سال ۱۳۷۹ یعنی زمانی که ۲۵ سال بیشتر نداشت، منتشر کرد. پس از آن، آثاری مانند «ماریا انگشت»، «ما این جا داریم می‌میریم»، «کارگاه داستان‌نویسی» و «بوی تن آهو» را منتشر کرد. او نویسنده‌ای با دغدغه‌های اجتماعی، نگاه زنانه و نثری مستقل شناخته می‌شد. آثارش اغلب در روایت‌های داستانی مرز میان واقع‌گرایی روان‌شناختی و روایت‌های تجربی حرکت می‌کردند.

زیستن در سایه درد

کتاب « نئوها و کینگ‌ها یا سازش با سوراخ‌های جوراب مورچه »یکی از شخصی‌ترین آثار اوست؛ روایتی از دو سال زندگی با سرطان با نگاهی طنزآمیز و آگاهی فلسفی. حسینیان در این اثر، با الهام از زندگی استیون هاوکینگ، مفاهیم علمی، پزشکی و انسانی را در هم می‌تندو با زبانی صمیمی، خواننده را به قلب تجربه زیسته‌اش می‌برد. کتاب به‌جای تمرکز بر مبارزه با بیماری، بر سازگاری با شرایط جدید و پذیرش واقعیت زندگی با سرطان تمرکز دارد. نویسنده در این کتاب، در دورنج ناشی از بیماری را با زبانی هنرمندانه و تأثیرگذار روایت می‌کند و به خواننده نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با وجود سختی‌ها، به زندگی ادامه داد و در آن معنا پیدا کرد.



خواب‌هایی که رو به جنون می‌رفتند

در کتاب «بهار برایم کاموا ببیاور»، حسینیان مخاطب را با روایتی سورئال و وهم‌آلود مواجه می‌کند؛ زنی که در خوابی بی‌انتها گرفتار شده و در جست‌وجوی معنا می‌رود. این رمان، نخستین تجربه جدی حسینیان در فرم بلند بود و توانست به جمع نامزدهای جایزه گلشیری و نخستین دوره جایزه چهل راه یابد.

نویسندگی به‌مثابه زیستن

مریم حسینیان در گفت‌وگوهایی که طی سال‌های فعالیتش با رسانه‌های مختلف داشته بارها تأکید کرده بود که نویسندگی برایش صرفاً یک حرفه نیست، بلکه شکلی از زیستن است. به اعتقاد این نویسنده، نوشتن باید از دل تجربه‌های زیسته بیاید، نه از تقلید. در یکی از مصاحبه‌هایش گفته بود: «من هیچ‌وقت ننشستم که صرفاً داستان بنویسم؛ بیشتر وقت‌ها، داستان خودش از دل زندگی بیرون می‌آمد.»

نثر ساده، روایت پیچیده

اگر بخواهیم مختصری درباره سبک نوشته‌های او سخن بگوییم اولین نکته شاید این باشد که او به نثر ساده و بی‌پیرایه باور داشت اما در مصاحبه‌ای با یکی از نشریات ادبی مشهد، گفته بود: «سادگی نثر به معنای سطحی بودن نیست. من دوست دارم مخاطب بدون زحمت وارد داستان شود، اما درونش با چیزهایی مواجه شود که شاید خودش هم انتظارش را نداشته.»

واژه‌هایی که باقی می‌مانند

مریم حسینیان با مهدی یزدانی خرم، نویسنده و روزنامه‌نگار شناخته‌شده، ازدواج کرد و پسری به نام امیرحسین از او به یادگار مانده است. او با وجود درد، نوشت و زیست و حالا با رفتنش، صدایی صادق و کم‌نظیر در دنیای ادبیات ایران از او به یادگار مانده است. مهدی یزدانی خرم در غم از دست دادن همسرش نوشت: «مریم رفت، من تمام شدم».



«شب خراسان»؛ بازآفرینی سوگ در نغمه‌های نواحی

در برنامه موسیقایی «شب خراسان»، نوید اربابیان و علی‌اکبر بهاری با گروهی از نوازندگان به بازآفرینی مقام‌های موسیقی نواحی خراسان پرداختند؛ آثاری مانند «درنا»، «لو» و «دختر قوچانی» با حفظ اصالت، در قالبی مدرن اجرا شدند. این برنامه با محوریت مفهوم سوگ، نگاهی نو به غم‌های جمعی و شخصی در موسیقی محلی داشت. قطعات تازه‌ای چون «افشاری در بیابان» و «کنج» نیز به اجرا درآمدند. اجرای هر قطعه همراه با توضیحی درباره پیشینه و معنای آن، تجربه‌ای چندلایه برای مخاطب ایجاد کرد. سنت و نوگرایی در این اجرا درهم تنیدند و اثری احساسی و فرهنگی آفریدند.

تعرض به محوطه بزرگ و مغفول‌مانده ساسانی!

یک محوطه وسیع باستانی در حاشیه دریاچه خشک‌شده بختگان، پر از سفال‌های شاخص دوره ساسانی، زیر پای ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه نابود می‌شود. سیاوش آریا، کنشگر میراث فرهنگی، در بازدید از نزدیکی روستای گردشگری دهمورد، با زمینی چند کیلومتری روبه‌رو شده که هویت تاریخی ایران را در خود نهفته دارد؛ جایی که با هر قدم، صدای خرد شدن سفال‌ها طنین می‌انداخت.

به‌رغم وجود آثار معماری و شواهد سطحی، این محوطه هنوز به ثبت ملی نرسیده و شرکت‌های تعاونی، مرغداری‌ها و کارخانه‌ای در حریم درجه یک آن در حال ساخت‌اند. برخلاف قوانین میراث فرهنگی و محیط‌زیست که از سال ۱۳۸۳ اجرای آن الزام‌آور شده، هیچ استعلام مؤثری صورت نگرفته و عرصه تاریخی قربانی بی‌توجهی نهادی شده است.

آریا تأکید می‌کند که منطقه «لردی» در جنوب دهمورد نیازمند بررسی علمی و مداخله فوری اداره کل میراث فارس و پژوهشکده باستان‌شناسی است. سفال‌های یافت‌شده پس از بررسی توسط دکتر رضا نوروزی، باستان‌شناس عضو پژوهشگاه، متعلق به دوره ساسانی و حتی هخامنشی تشخیص داده شد.

اخبار

انتصاب برای پاسداشت فارسی

با حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، غلامرضا طریقی، شاعر و پژوهشگر ادبی به‌عنوان دبیر شورای هماهنگی پاسداشت زبان فارسی منصوب شد. این مسئولیت با هدف حفظ سلامت و اصالت زبان فارسی، مقابله با واژگان بیگانه و تقویت حساسیت عمومی نسبت به فرهنگ واژگان انجام می‌شود. این شورا نقش مهمی در سیاست‌گذاری فرهنگی کشور دارد و انتصاب جدید می‌تواند مسیر مقابله با واژگان بیگانه را پررنگ‌تر کند.

درخشش یک نمایش ایرانی

نمایش «منگی» به نویسندگی و کارگردانی محمدامین سعدی، در جشنواره بین‌المللی تئاتر گرجستان، با استقبال گسترده مخاطبان و منتقدان، دیپلم افتخار گرفت. این اثر اقتباسی از رمان فرانسوی «منگی» است و با اجرای دقیق، طراحی صحنه چشمگیر و بازیگری خلاقانه، تحسین مدیران جشنواره را برانگیخت. گروه آمیتیس با بیش از ۷۰ اجرای موفق در تهران، بار دیگر ثابت کرد که هنر ایرانی قابلیت جهانی شدن دارد.

انا لله وانا الیه راجعون

گرچه من دیگر نمی بینم گل روی تورا خاطراتت را در این غم خانه مهمان می کنم



با نهایت تاسف و تاثر درگذشت پدرعزیزمان

بزرگ خاندان زنده یاد

حاج سید رضا عباسیان حسینی

را به اطلاع کلیه اقوام ، دوستان و آشنایان میرسانیم

مراسم تشیع : شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ ساعت ۸:۴۵ حرم مطهر

محل خاکسپاری ساعت ۱۱ واقع در حسینیه ساغروان ، انتهای ساغروان ۱۹ جنب پاسگاه سلطان آباد

انتهای امام رضا ۱۳ مجموعه فرهنگی عباسیان حسینی

مجلس ترحیم: دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ از ساعت ۱۶ الی ۱۷:۳۰

واقع در بلوار سازمان آب ، بلوار ارشاد ، انتهای ارشاد ۱ مسجد غدیر بابا علی برگزار می گردد

خاندان عباسیان حسینی

۱۳۷۹۸۳

خاندان محترم امیری دربان و شهریان

با نهایت تأسف و تأثر

درگذشت همکار گرانقدرمان، شادروان



مهندس سعید امیری دربان

را به شما تسلیت عرض نموده،از درگاه خداوند متعال برای آن عزیز،رحمت و مغفرت و برای بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

اعضا هیئت علمی و کارشناسان گروه مکانیک
دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

۱۳۷۹۲۰

خاندان معزر میرصدرایی و کاخی

با قلبی آکنده از اندوه درگذشت

پزشک ارجمند و انسانی فرهیخته

جناب آقای دکتر احمد کاخی

را به شما تسلیت عرض می نماییم .

از درگاه احدیت برای آن فقید سعید علو درجات ، رحمت واسعه الهی

و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم .

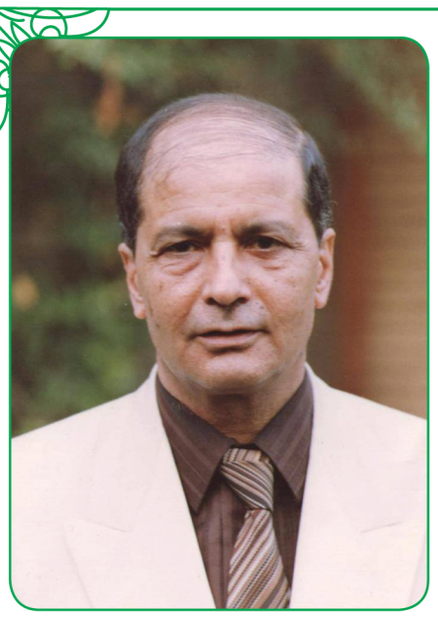
محمود دانشی نیا و بانو

۱۳۷۸۳۸

اکنون کجای جهان در سفری

ای مخمل پاک سپید تکیه گاهمان

بیست سال از سفر عاشقانه



دکتر رضا حائریان

(استاد دانشکده پزشکی)

گذشت.

دکتر رضای عزیز آیا هنوز زمزمه های نهفته درربا‌عیات خیام تو را به تفکر وامیدارد؟

آیا غزلهای عاشقانه ورندانه حافظ تو را مملو از شراب ناب میکند؟

اینک آری این مائیم که در زمهریر نبودنت

چون شاخه خشک درختان شکسته ایم .

دکتر زهرا فاضل

هاله ، حامد حائریان

۱۳۱۹۷۳

استاد ارجمند سرکار خانم دکترمیرصدرائی

دوستان گرامی

سرکار خانم دکتر سعیدی و جناب آقای دکترمیرصدرائی

درگذشت استاد بزرگ **جناب آقای دکتر کاخی**

را از ژرفای دل تسلیت می گوییم

به مینو روانش پر از نور باد.

دکتر مهدی طاهرپور و بانو

۱۳۷۸۶۴